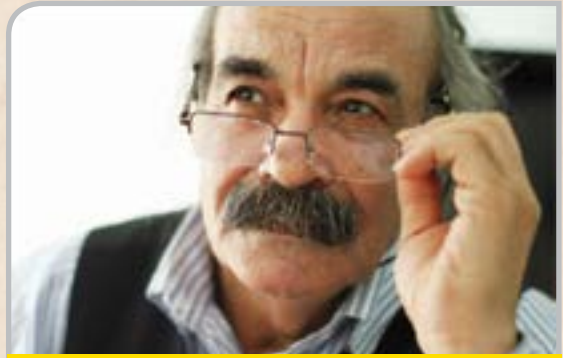


با ما چه کردند...



خسرو امیر حسینی

دولت‌ها و سازمان‌های بیمه‌ای صورت می‌گیرد، در عصر پیشامدرن، توسط صاحبان سرمایه انجام می‌شد. این پدیده در کشورهایی مثل ایران، که نظام بیمه‌ای، عمدتاً پوشش حداقلی مردم را انجام می‌داد، توسط خیرین و موسسات نیکوکارانه با راه‌اندازی پروژه‌هایی مثل درمانگاه رایگان، صندوق قرض‌الحسنه، ساخت آب‌انبار، پل و... به کاهش محرومیت کمک می‌شد. مبنای ارزیابی و قضاوت عمومی - مثبت یا منفی - درباره فعالان اقتصادی به کارکرد اجتماعی آنها بستگی داشت. در صورتی که صاحبان سرمایه، در فعالیت‌های عمرانی مثل ساخت مسجد، مدرسه، پرداخت وجوهات شرعی و... مشارکت نداشتند در باور بسیاری از مردم، مورد سرزنش قرار می‌گرفتند.

پ: ثروت محصول کار: کشاورزی، تجارت، داشتن دانش و تجربه، همچنین دسترسی به منابع قدرت سیاسی و نظامی، از منابع اصلی تولید ثروت در بیشتر زمان‌ها در تاریخ ایران به شمار می‌رفتند. در زمینه کسب و کار نیز تلاش و کوشش، نوآوری و تداوم فعالیت اقتصادی از عوامل موثر در تولید ثروت بوده است. همه کسانی که از راه سخت‌کوشی، استفاده از تجربه، مهارت، تخصص، هوش و موقعیت به انباشت ثروت رسیدند، همچنین در حوزه اجتماعی دارای کارکرد نیکوکارانه بودند، نگاه عمومی به آنها تا شهریور ۱۳۲۰ عموماً مثبت بوده است.

ت: ظهور عوامل جدید در نگرش به سرمایه: سه عامل بین‌المللی و داخلی در تغییر نگرش به سرمایه‌و صاحبان آن، پس از مشروطه موثر بوده است.

ت-۱- رویکرد روشنگری به وضعیت انسانی و اجتماعی و تاثیر آن بر صاحبان سرمایه: تفسیر متفکران روشنفکری، از جهان‌انسانی باعث شد که موقعیت افراد از جهت اقتصادی و اجتماعی، طبیعی جلوه نکنند. نقش نظم‌های سیاسی و اجتماعی را در اصلاح یا تخریب زیست انسانی، بسیار موثر می‌دانستند. از نظر

زمانه‌ای دیگر قرار گرفتند. یکی از همین مفاهیم، نگرش به فعالان اقتصادی، تجاری و صنعتی، و به تعبیری کارآفرینان می‌باشد. آنان که از دهه آخر حکومت ناصری از مبشران حکومت قانون، پیشرفت و آزادی در ایران بودند، در سال ۱۳۵۷ به زالوصفت، غارتگر، سرمایه‌دار، وابسته به حکومت و امپریالیسم ملقب شدند. بر همین اساس، کاررونی از مالکان و مدیران کارخانه و مدیران گروه صنایع بهشهر از سوی گروه فرقان ترور شدند. تمام موسسات بزرگ صنعتی، بیمه‌ای و بانکی بخش صنعتی بزرگ، ملی شد و اموال صدها فعال اقتصادی بزرگ ایران مصادره و ممنوع‌المعامله شدند. به نظر می‌رسد نگرش مردم به صاحبان ثروت در جنبش مشروطه، به‌طور عموم مثبت بوده است. حضور آنان در همراهی با مشروطه‌خواهان علیه مستبدین، تامین مالی هزینه مبارزان متحصن در حرم عبدالعظیم، حرم حضرت معصومه و سفارت انگلیس و نقش پررنگ آنها در مجلس اول مشروطه، گواه این مطلب است. این نگرش مثبت به فعالان اقتصادی تا پایان حکومت رضاشاه با فراز و فرودهای اندکی ادامه داشت. عوامل موثر در ارزیابی صاحبان ثروت شامل این موارد می‌شود:

الف: منشأ ثروت: در صورتی که صاحبان ثروت از راه‌های نامشروع مثل دزدی، غارت، نزول خواری (گرفتن بهره بانرخ ۶۰ درصد سالانه) تضییع حقوق دیگران یا سوءاستفاده از بخش دولتی، به ثروت دست می‌یافتند در ذهنیت عمومی تحقیر می‌شدند (۱) به صاحبان انباشت ثروت از راه معامله تریاک، پس از ممنوعیت تولید و صدور معامله تریاک از سوی جامعه ملل در سال ۱۳۱۲، به صورت منفی نگریده می‌شد.

ب: کارکرد صاحبان ثروت: به‌طور تاریخی، صاحبان سرمایه، بسیاری از مسوولیت‌های اجتماعی را، برای رفع محرومیت به عهده داشتند. این اقدامات که در دوره معاصر توسط

مهندس شاهین خلیل عراقی از جمله مدیران سرد و گرم چشیده و غم‌دوران خورده نقل می‌کرد در اوایل سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ بقال کوچه هم بما جنس نمی‌فروخت آنقدر صفت زالو، بورژوا چپاول گر بمن می‌بستند که ما در محبس خانه، کارخانه، دست از تلاش بکشیم. سند به داس و چکش بسپاریم پدر صنعت گاز ایران آن شوق و ذوق زده در بیراهه می‌دید و هر آنچه تحقیق می‌کرد جایی برای مصادره اموال و تحقیر مسلمانان نمی‌یافت این نقل شاهین بوتان را ما پی‌گرفتیم. مشهدی علی خان چوپان ده شکوه می‌کرد که به دیوار طویله می‌نویسند مرگ بر خان و روزی جلو نماینده محلمان که یک روحانی هم بود گرفتم شکوه کردم، نماینده گفت این خان که به دیوار تو است آن خان است مشهدی علی خان پرسید کدام خان که جرمش یقه مرا گرفته، نماینده گفت آن خان که مردم را به فلک می‌بست به ناموس مردم دست یازی می‌کرد کسی صاحب آب دان نبود. مشهدی علی خان پرسید: آن خان در واقع کربلا بوده؟ نماینده خندید و گفت: این معنی را می‌کنند مشهدی علی خان پرسید: شما که روحانی هستید در کجا خوانده و کجا دیده‌اید من که ۸۰ سال دارم به قصه‌ها هم نشنیده‌ام مگر مردم مسلمان اجازه می‌دهد به حریم ناموسش نظری باشد مگر مالک زمین اجازه می‌دهد کسی به آن تعرض کند. خان یعنی سفیره، خان یعنی مدیریت، خان یعنی سردار پیروز یعنی ستارخان، باقرخان و میرزاتقی خان امیر کبیر. بر دشمن این معنی خان است که ما می‌شناسیم در ۱۰۰ سال اخیر، بسیاری از مفاهیم در عرصه نظری و عملی مثل سلطنت، مذهب، ملیت، آزادی، کشورهای اروپایی، فعالان اقتصادی و... در نگرش عمومی دچار تغییر شده‌اند. برخی مفاهیم در دوره‌ای به شدت بر عرش نشستند و مقبولیت بیشتر نیروهای سیاسی و اجتماعی را با خود همراه داشتند؛ اما همین مفاهیم، مورد لعن و نفرت کثیری از نیروها، در

روسو، انسان، لوح سفیدی بود که پای در زمین گذاشت؛ اما قوانین و ساختارها، او را به سوی تباهی کشاندند. براساس همین رویکرد به گسترش آموزش و بهداشت در حوزه عمومی، گام‌های برجسته‌ای برداشته شد. این تلاش‌ها، به بهبود موقعیت گروه‌های محروم کمک کرد؛ به گونه‌ای که فقر و محرومیت در یک روند ۲۰۰ ساله در جهان توسعه یافته، به شدت کاهش یافت. گسترش بیمه درمانی، بیکاری و بازنشستگی از ثمرات اندیشه روشنگری و تمدن جدید می‌باشد. با ابزار مالیات و درآمدهای دولت، سعی در بهبود موقعیت فقرا داشته‌اند. بر همین اساس از صاحب‌انباشت سرمایه انتظار داشته‌اند که با کمک‌های نیکوکارانه خود، در زمینه فقرزدایی، مسوولیت اجتماعی خود را ایفا کنند؛ در صورتی که صاحبان ثروت، از کارکردهای اجتماعی خودداری می‌کردند، به سختی از سوی فعالان اجتماعی مورد انتقاد و سرزنش قرار می‌گرفتند. بسیاری از نیروهای سیاسی پس از مشروطه مثل اعتدالیون، گروه‌های وابسته به جبهه ملی، نیروهای مذهبی پس از انقلاب ۱۳۵۷، از این سنت فرهنگی تغذیه می‌کنند. گرچه فهمشان از کم و کیف تغییر اجتماعی در زمینه محرومیت زدایی و نحوه نگرش آنان به صاحبان ثروت تا حدود زیادی با مارکسیست‌ها متفاوت می‌باشد. با وجود این به نظر نمی‌رسد اکثر این نیروها به خلع مالکیت، باور داشته باشند. بر همین اساس بخشی از متفکران لیبرال، نگرش مثبت نسبت به صاحبان سرمایه نداشتند. تلاش نیروهای سیاسی و اجتماعی برای گرفتن مالیات تصاعدی به منظور بازتوزیع آن و کاهش فقر، ریشه در همین سیاست دارد.

ت - ۲ - رویکرد سنت مارکسیستی نسبت به صاحبان سرمایه:

جنبش مارکسیستی، بخش‌های اندیشه روشنگری است که مدعی گسترش آزادی و رفع محرومیت و استثمار از تمامی نیروهای اجتماعی، شامل مردان و زنان، با ملیت‌ها و مذاهب مختلف می‌شود. این اندیشه مقارن با مشروطه، به صورت لایه‌بسیار باریکی، بین تعداد اندکی از نیروهای سیاسی از طریق قفقاز در ایران اثر گذار شد. تحولات بین الملل در همسایگی ایران و پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در اتحاد جماهیر شوروی، افق تازه‌ای از نقد رادیکال ثروت در نزد فعالان سیاسی و اجتماعی ایران طرح کرد که تا پیش از آن، این شیوه نقد، کمتر مطرح بود. هرگونه سرمایه، جدا از منشأ آن، مورد نقادی قرار گرفت. صاحبان سرمایه، متهمان درجه اول غارتگری بودند. تغییر این

وضعیت با قدرت‌گیری دولت «لویاتان» در همه عرصه‌ها امکان‌پذیر بود. برای بهبود شرایط، دولت، مالک همه ابزارهای تولید در نظام سوسیالیستی می‌شد. رفع فقر و رسیدن به بهشت رفاه، از طریق حاکمیت مطلق دولت بر همه عرصه‌های سیاسی، نظامی، اطلاعاتی، حقوقی و مالکیت بر ابزار تولید فراهم می‌شد. این اندیشه در عالم واقع، به ضد خود تبدیل شد. بهشت موعود چپ، در بیش از ۴۰ کشور سوسیالیستی، جهنمی خلق کرد که توده‌ها را به پزندگان دست‌آموز دفتر سیاسی حزب، بدل کرد. این اندیشه، مقارن با مشروطه در بین تعداد اندکی از فعالان چپ قفقاز، هوادارانی یافت. شیوع اندیشه چپ در بین دانشجویان اعزامی به اروپا، نقش قابل توجهی در انتقال اندیشه چپ به ایران داشته‌است. فعالیت سازماندهی شده آنها در جنبش جنگل، حزب کمونیست ایران، اقدام‌های حیدرخان عموآغلی و دوستانش، برخی اتحادیه‌های هوادار گروه چپ و گروه ۵۳ نفره تقی‌آرانی، نمونه‌هایی از حاملان اندیشه چپ در مخالفت با انباشت سرمایه به صورت رادیکال بودند. این حرکت با تاسیس حزب توده و سپس از آن، چریک‌های فدایی خلق، بسط جدی تری یافت. اندیشه چپ در بین تحصیل‌کردگان دبیرستانی دانشگاهی، نویسندگان و هنرمندان به شدت نفوذ یافت. این اندیشه در طی ۳۰ سال به طور گسترده از سوی جریان‌های مختلف با خوانش‌های گوناگون ملی و مذهبی، مورد قبول واقع شد. آنچه از دستگیری، محاکمه، اعدام، مصادره، ملی‌شدن، ممنوع‌المعامله و... در سال ۱۳۵۷ - ۱۳۵۸ برای فعالان صنعتی در ایران اتفاق افتاد، محصل‌پذیر این گفتمان بود. ت - ۳ - نقش روابط قدرت به صاحبان سرمایه: برخی از گروه‌های اقتصادی، به دلیل ارتباط با مدیران اجرایی دولت، به برخی از امتیازات انحصاری از سوی دولت، دسترسی داشتند. این موقعیت مندی در اعطای مجوزهای وارداتی، واگذاری مزایده، مناقصه‌های دولتی، جذب نیروی انسانی و... از سوی دولت به نیروهای وابسته به خود، موثر بوده‌است. این گروه‌ها از طریق رابطه با بلوک قدرت، به انباشت سرمایه قابل توجهی دست یافتند. این امتیازات به صورت غیررقابتی توزیع می‌شد. برخی از آنان، به دلیل همین روابط از پرداخت مالیات، طفره می‌رفتند. اگر می‌بینیم زنی در نیجریه با دریافت مجوزهای بهره‌برداری از نفت، یا دختر رییس‌جمهور آنگولا و همسر رییس‌جمهور پیشین کنیا و... از ثروتمندترین زنان دنیاست، این موقعیت مندی، باعث سوءاستفاده

گسترده آنها در اقتصاد شده‌است. این گونه انباشت سرمایه، به شدت از سوی نیروهای اجتماعی اصلاح طلب مورد انتقاد قرار گرفت. سوءاستفاده از موقعیت‌ها در جوامعی مثل ایران، نقش موثری در نگرش منفی به صاحبان سرمایه داشته‌است. بی‌شک آنان فقط بخش کوچکی از فعالان اقتصادی ایران بوده‌اند. همچنین عوامل غیرکارآفرین در تولید ثروت در ایران، سهم بسزایی در بدبینی عمومی نسبت به صاحبان سرمایه داشته‌است. افزایش قیمت زمین شهری، در طی دوره طولانی، به ده‌ها برابر قیمت اولیه، یکی از عوامل مهم تولید ثروت، برای صاحبان آن بوده‌است. ثروتی که صاحبان آن رنج یا خلاقیتی، در به دست آوردن آن متحمل نشدند. فقدان آزادی کامل و گفت‌وگو از سوی رسانه‌ها و جامعه مدنی در عرصه عمومی، باعث شد که اندیشه رانتی بودن، به کل فعالان اقتصادی اطلاق گردد. نتیجه‌گیری:

به نظر می‌رسد نگرش به صاحبان سرمایه تا عصر مشروطه عمدتاً مبتنی بر کارکرد فعالان اقتصادی مربوط بود. در صورتی که آنان قادر بودند در عرصه اجتماعی در فعالیت‌های نیکوکارانه مثل کمک به محرومان، اعطای وام، ساخت درمانگاه و مدرسه و... مشارکت داشته باشند، در ذهنیت عمومی نگاه مثبتی به آنها وجود داشت؛ در غیراین صورت، صفت قارون و... برای آنها به کار می‌رفت و نگرش عمومی منفی و تحقیرآمیز بود. پس از مشروطه، روشنگری و اندیشه مارکسیستی، سهم موثری در تغییر نگرش به حوزه انسانی و اجتماعی داشته‌است. فقر و ثروت، طبیعی نبود. نحوه سازماندهی و نظم اجتماعی از عوامل موثر در این رخداد بود. برای بهبود وضعیت متفکران روشنگری، به گسترش آموزش، بهداشت، حقوق سیاسی و شهروندی و رفع نیازهای اولیه توسط جامعه مدنی، احزاب، تولید گفتمان و وضع قوانین از سوی دولت بر اصلاح اجتماعی، تاکید کردند. اندیشه چپ با تغییر بنیادی در زمینه خلع مالکیت از ابزار تولید، به اصلاح اجتماعی به جهنم دولت‌گرایی ختم شد. سوءاستفاده از روابط قدرت در انباشت سرمایه از سوی برخی از فعالان اقتصادی و دولت‌های ناکارا و فاسد نیز، سهم مهمی در بدبینی به فعالان اقتصادی در حوزه عمومی داشته‌است. ۱- خاصیت نگاه ثروت در صورت فوت نسل اول و انتقال آن از طریق میراث به نسل‌های بعدی، به دلیل ناآگاهی اکثریت مردم و به کارگیری آن در سایر پیشه‌ها، اعتبار و جایگاه آن در بین مردم بهبود می‌یافت.